

همزمان با سالگرد شهید سلیمانی

**اسطوره منتشر شد**

انیمیشن «اسطوره» همزمان با چهارمین سالگرد شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی منتشر شد. این انیمیشن کوتاه به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدمصطفی حسینی به عنوان تازه‌ترین محصول مرکز فیلم جوان سوره و با روایتی از جوانمردی سردار شهید قاسم سلیمانی، اسطوره عصر معاصر و همزمان با سالروز شهادت این بزرگ‌برد تاریخ رونمایی شد. این انیمیشن کوتاه براساس شعری از سیدمصطفی

سلیمانی، تولید و منتشر شد. این قطعه تصویری، سرود خوانی گروهی از نوجوانان در ربای قهرمان مبارزه با تروریسم، شهید سلیمانی است و بخشی از دلآوری‌های او در مبارزه با دشمنان را با شیوه‌ای هنرمندانه از زبان نوجوانان روایت می‌کند.



**گفت‌وگوی «جام جم» با محمدرضا ابوالحسنی، کارگردان «دوئل بوکمال»**

# حقیقت مظلومیت حاج قاسم

در هفدهمین جشنواره سینماحقیقت که به تازگی برگزار شد، چهار مستند هم حضور داشتند که به اشکال مختلف با شخصیت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در ارتباط بودند. یکی مستند «داستان بارانی» ساخته حسین نژاد موسی که با وجود روایتی دیگر خط و ربطی با حاج قاسم پیدا می‌کند، یکی هم مستند «بی‌قرار» به کارگردانی محمدعلی فارسی که با وجود روایت زندگی شهید محمدحسین یوسف الهی، پیوند تنگاتنگی هم با شخصیت حاج قاسم داشت و درواقع عنوان فیلم به حال و هوای او هم به عنوان یار دیرین یوسف الهی اشاره می‌کرد اما مستند

**۱** در بخشی از مستند «قاسم» (مهدی فارسی) با قلم و گویندگی شما، جلد مجله «نیوزویک» را می‌بینیم و می‌شنویم که سردار سلیمانی بعد از مقابله با آمریکا، حالا در حال مجالنه کردن داغش است. همان‌جا به نقش آمریکا در ایجاد منطقه پرواز ممنوع در مرز عراق و سوریه و حفظ بقایای داعش در شهر استراتژیک بوکمال اشاره می‌شود. این حلقه اتصال برای مخاطبی که این فیلم و مستند دوئل بوکمال را دیده، جالب به نظر می‌رسد.

در فیلم «قاسم» بنای ما این بود که یک مستند مفصل درباره حاج قاسم ساخته شود، منتها چون آن موقع سه ماه تا سالگرد ایشان فاصله بود، تصمیم گرفتیم یک کار مجمل و خلاصه شده از ابتدا تا انتهای زندگی حاج قاسم را روایت کنیم ولی بعد سراغ کارهای تولیدی برویم. مستند قاسم، کلا فیلمی آرشویی است و حتی مصاحبه‌ها هم تولید خودمان نبود. مستند قاسم پر از سرخ‌هایی است که هرکدام آنها حکایت قصه‌ای را دارد. مثلا ماجرای جنوب شرق خودش یک سریال است و واقعا نمی‌شود آن را در یک فیلم خلاصه کرد.

**۲** ماجرای آورتین را می‌گویید؟ آورتین، فقط یکی از این عملیات‌ها و ماجراهاست، درحالی‌که بحث جنوب شرق، جغرافیای گسترده‌ای دارد و حاج قاسم در یک دوره هفت ساله، کارهای بزرگی را در آن مناطق انجام داد. یکی از موارد مستند قاسم که ما گذرا از آن عبور کردیم، موضوع بوکمال و عملیات بادی بود. تازه اگر باز بخواهیم با جزئیات به این عملیات بپردازیم، مستعد روایتی سریالی است و حداقل قابلیت سه چهار قسمت را دارد. ما در دوئل بوکمال به سرعت از خیلی جزئیات ماجرا گذشتیم، چون مستند است اشاره به آنها از حوصله مخاطب خارج باشد، ضمن این‌که فیلمی که موضوعش عملیات نظامی است، مثلا برای یک خانم خانه‌دار خیلی جذاب نیست و احتمالا کاتال تلویزیون را عوض می‌کند.

**۳** پس مخاطب هدف‌تان را گسترده درنظر گرفتید و به یک قشر خاص و مردانه بسنده نکردید.

بله، وقتی یک فیلم مستند می‌سازید که قرار است در تلویزیون به نمایش درآید، اساسا اشتباه است که ما مخاطب آن را یک

گروه خاص درنظر بگیریم. بنابراین باید طیف گسترده مخاطبان تلویزیون را در آن لحاظ کنید. نسخه اولیه این مستند، تقریبا زمانی نزدیک به مستند قاسم داشت و حدود ۱۷ دقیقه از این نسخه نهایی بیشتر بود اما از آنجا که تهیه‌کننده دوست داشت فیلم را زیر ۶۰ دقیقه جمع کند، بسیاری از مطالب فیلم با نظر تدوینگران حذف شد و من هم به این تصمیم احترام گذاشتم. یکی از مواردی که خیلی در این فیلم‌ها اهمیت دارد این است که هر بحث مطرح شده، منعقد هم شود و از آن عبور نکنیم. در فیلم‌های این چنینی که وجهه عمومی دارد و برای مخاطبان گسترده پخش می‌شود، توجه به جنبه‌های انسانی ماجرا خیلی مهم است. یعنی مخاطب تلویزیون نمی‌نشیند که یک عملیات نظامی صرف ببیند و خیلی هم نمی‌توان ماجرای عملیات را تخصصی و تکنیکی شرح داد، درصورت چنین اتفاقی، فیلم عملا از مخاطب عام فاصله می‌گیرد. ما سعی کردیم حتی المقدور چنین روندی را در دوئل بوکمال رعایت کنیم و روایتی ملموس برای همه مخاطبان داشته باشیم و جرابی اهمیت این عملیات را توضیح دادیم.

وقتی گزارش‌های سنکام (مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا در منطقه) را می‌خوانید، اشاره شده که گذرگاه قائم بوکمال یکی از استراتژیک‌ترین نقاط کل منطقه است. این سؤال پیش می‌آید که سه کیلومتر راه مگر چیست که چراگاه نظامی آمریکا روی آن تاکید می‌کند و برایش مهم است. اساسا دعو و دولتی که بر سر بوکمال شکل می‌گیرد، تقابل ایران و آمریکا است. درحالی‌که آن منطقه پر از داعش بود و بحث هم بر سر بازپس‌گیری آن مناطق از داعش و از بین بردن این گروهک تروریستی است اما می‌بینیم وقتی به مرز می‌رسند، حاج قاسم اصلا حرفی از داعش نمی‌زند و می‌گوید ما طرح آمریکا را خنثی کردیم. یعنی ایشان به هیچ وجه داعش را روبه‌روی خودش نمی‌بیند و فقط آمریکا را در منطقه می‌بیند و می‌خواهد این فتنه را باطل کند. دوئل بوکمال، روایت یک نبرد در یک منطقه بسیار استراتژیک است. استراتژیک از این جهت که اگر آمریکا به این شهر می‌رسید، ارتباط ما را در آن مقطع

مورد بحث، کلا قطع می‌کرد. اگر آمریکا زودتر از ایران به بوکمال می‌رسید، ثمره شش سال نبرد در سوریه از بین می‌رفت. اهمیت بازپس‌گیری بوکمال از داعش به این دلیل است و باز از نکات مهم قابل اشاره این‌که در منطقه‌ای وسیع و سراسر بیابانی و گرمای طاقت‌فرسا که هیچ‌کدام از روس‌ها و سوری‌ها حاضر نبودند در آن بجنگند، حاج قاسم دست به این کار بزرگ می‌زند و منطقه را از داعش پاکسازی می‌کند. ایشان این طرح را هبردی را با هدف بزرگ‌تر و مهم‌تری از داعش، اجرایی و عملیاتی و پروژه آمریکا را خنثی کرد. هدف حاج قاسم، غلبه بر داعش نیست - که البته این کار هم انجام می‌شود - اما از آنجا که داعش فقط یک ابزار است و آن چیزی که پشت ما جراست، پروژه آمریکاست، بنابراین حاج قاسم با آزادسازی بوکمال درواقع آمریکا را هدف قرار می‌دهد. نحوه بازپس‌گیری این شهر هم بسیار مهم است

که حاج قاسم و نیروهای مقاومت به بهترین شکل آن را انجام می‌دهند. با وجود خطرات زیاد جنگ، حاج قاسم تاکید می‌کند نبراه حق ندارند وارد خانه‌های مردم شوند و حلال و حرام رعایت شود و ... همین منش حاج قاسم در جبهه جنوب شرق و دیگری با اشار هم دیده می‌شود.

### برش

## رونمایی از واقعیت مقاومت

**۱** باتوجه به حضور موفق این فیلم در جشنواره سینماحقیقت، فکر می‌کنید با این فیلم از چه حقیقتی درباره حاج قاسم و جریان مقاومت رونمایی شد؟

ما یک نقطه ضعف خیلی بزرگ در کشور داریم که همچنان برطرف نشده است. با این‌که به ظاهر تلاش می‌شود و نیروهای زیادی در این زمینه کار می‌کنند اما این خلأ هنوز وجود دارد و آن این است که توانستیم برای زحمتی که در بعد برون مرزی و تلاش‌های نیروی قدس برای حفظ نامیت ارضی کشور و جلوگیری از حمله داعش به ایران به‌طور پیش‌دستانه صورت گرفته، پیوست رسانه‌ای مؤثری درباره آن داشته باشیم. لذا این سؤال برای بخشی از مردم وجود دارد و ابهام روی ابهام تلنبار شده تا جایی‌که این عده از دنبال کردن ماجرا دست برمی‌دارند درحالی‌که ما در این زمینه، افکار عمومی را لازم داریم به همین دلیل بسیار نیاز است افرادی با درک مسائل تخصصی در این زمینه پژوهش کنند و در قالب روایت‌های مستند برای مخاطب عام توضیح دهند. متأسفانه باوجود

**در گفت‌وگو با امیر عسگری، کارگردان عیدوک بررسی شد**

# نمایش مهربانی حاج قاسم در کنار اقتدار

صحبت کرده بودند اما دوست نداشتند جلوی دوربین بیایند. به عنوان مثال، یکی از آنها می‌گفت دوست ندارم بچه‌هایم که سرکاری می‌روند، پدرشان را به عنوان اشرار بشناسند. در نهایت با آنها صحبت کردم که چیزی نیست و شما نمی‌توانید زندگی قبل‌تان را که جزو اشرار بودید، از دولت یاکسی دیگر پنهان کنید. دولت به شما امان نامه داده است که شرات تکنید و زندگی کنید و شما هم همین کار را کردید. خلاصه به هر شکلی آنها را راضی کردیم. دومین گروهی که مصاحبه با آنها سخت بود، افراد امنیتی بودند که راضی به مصاحبه تصویری نبودند. سه شخصیت فیلم مسائل امنیتی داشتند که تصویر یکی را از پشت سر گرفتیم اما دو شخصیت دیگر گرچه به من اعتماد داشتند و مصاحبه کردند اما تا یک‌شان بر این بود که به هیچ عنوان از تصویرشان استفاده نشود. وقتی این حجم از مصاحبه صوت می‌شود، باید آرشویی مابه‌ازای آن پیدا کنید. بنابراین، هنگام شروع کار تنها یک فیلم داشتم و معضل بزرگم نداشتن آرشوی بود. گاهی بعد از مصاحبه با سردار یا مقام مسئولی درباره فیلم‌های آن زمان سؤال می‌پرسیدم و می‌گفتند که مثلا سه فیلم روی VHS داریم، برو ببین تا بدانی به هدفت نزدیک است یا نه؟... از همین راه متوجه می‌شدم که نیمی از عملیات آورتین در این فیلم هاست و حجم بزرگی از آرشویا به تدریج از این راه به دست آوردیم. روزی که کارمان را شروع کردیم، هیچ آرشویی نداشتیم اما هنگام پایان فیلم ۴۸ ساعت آرشوی داشتیم. من برای مابه‌ازای تمام مصاحبه‌هایم اینسرت گرفتم اما وقتی آرشوی آمد، اینسرت‌ها را کنار گذاشتم و ۸۵ درصد از آرشوی‌ها واقعی استفاده کردم. از مرحله پژوهش تا تولید حدود دوسال طول کشید تا ما عیدوک را بسازیم.

**۲** قبل از ساخت این مستند چه شناختی از حاج قاسم سلیمانی داشتید و بعد از ساخت به چه شناختی از او

سروکار داشتند. عیدوک بامری با نام اصلی عید محمد بامری ضدقهرمان و حاج‌قاسم هم قهرمان قصه ماست. نام هر دو شخصیت قصه را از کودکی شنیده بودیم و برایم جالب بود عیدوک چطور در این سن توانسته در منطقه جنوب کرمان و منطقه ایران‌شهر شرارت‌هایی ایجاد کند؟... موضوع جالب دیگر برایم این بود حاج‌قاسم چه دل‌دریایی داشت که دنبال برگرداندن عیدوک سر زندگی‌اش بوده است. در ابتدای مستند اشاره کردم که پدرموادها با کاهش شرارت‌های عیدوک کمتر داغ بچه‌های خود را ببینند.

**۳** چه سختی‌ها و چالش‌هایی برای ساخت این مستند پشت سر گذاشتید؟

بعد از شهادت حاج‌قاسم، سراغ شخصیت‌هایی رفتم که با عیدوک رفاقت داشتند. یکی از آنها محمد کامرانی، شریک عیدوک و برادر یک شهید بود. به این ترتیب، به تدریج سراغ شخصیت‌های منفی و اشرار رفتم و با آنها تلفنی صحبت می‌کردم و یادداشت برمی‌داشتیم تا ویدادداشت برمی‌داشتیم. قرار شد سه فیلم ۱۰ دقیقه فیلم رسیدم. وقتی می‌خواستم این فیلم را تولید کنم، دو مساله بزرگ داشتم. همه این آدم‌ها با من



بش‌ه‌اش قابل اصلاح و ضدقهرمان جذابی بود. وقتی عیدوک از نزدیک حاج‌قاسم را دیده بود، نظرش را یک خبرنگار پرسید و گفته بود که انگار یک امام‌زاده را از نزدیک دیدم و ابهتش مرا گرفت. من همیشه وقتی در بیت‌الزهرا، کرمان-بودم، حاج‌قاسم را از دور نگاه می‌کردم و زمانی که حرف می‌زد، دستش را خیلی زیباتکان می‌داد. حاج‌قاسم وقتی چیزی مطابق میلش نبود، به مامی‌گفت. فقط نگاه جدیش برای ما کافی بود. به‌عنوان مثال، در پلائی داشتم فیلم می‌گرفتم که برای شهیدی گریه می‌کرد، یک لحظه نگاهم کرد و از ترس دستم که در حال فیلمبرداری بود، شل شد اما در عین حال همه چیزش دوست‌داشتنی بود.

**۴** چطور جوانان امروز می‌توانند بزرگانی مانند حاج قاسم را الگوی خود قرار دهند؟

ما نباید از حاج‌قاسم الگوی فرازمینی و دست‌نیافتنی بسازیم. من در حال ساخت مستند ۸۰ دقیقه‌ای از حاج‌قاسم با عنوان موقت روزی روزگاری حاج‌قاسم مربوط به مکتب شهید سلیمانی هستم که در حال تدوین است. این مستند شامل زندگی حاج‌قاسم از کودکی تا بزرگسالی است و اصلا در این مستند دنبال نشان‌دادن جنبه‌هایی مانند تهنجد یا نماز خواندن نبودم و بیشتر دنبال نمایش بخش‌هایی کمتر دیده‌شده هستم. به‌عنوان مثال، شیطنت‌های حاج‌قاسم در کودکی یا فریادهایی که در میدان جنگ می‌زده را نشان دادم اما در عین حال همه می‌دانیم که تأثیر لقمه حلال است که شخصیتی مانند حاج‌قاسم را خلق کرده، چرا که به‌شدت روی مال حرام حساس بود. وقتی جوان امروز این جنبه‌های شخصیت حاج‌قاسم را ببیند، می‌گوید او که شبیه خود ماست.



نسرین بختیاری

**امیر عسگری کارگردانی است که بخش آوینی جشنواره حقیقت حضور داشت. او همشهری حاج قاسم سلیمانی است و حق همسایگی را به بهترین نحو ادا کرده و چند کار در ارتباط با او دارد. یکی از مستندهای مرتبط با عملیات والفجر که در آن با حاج قاسم سلیمانی گفت‌وگو کرده، «شب‌ی که توفان شد» و متأخرترین مستندی که با همراهی مکتب شهید سلیمانی در مراحل پایانی تدوین است، نام موقت «روزی روزگاری حاج‌قاسم» را دارد. از این‌رو، در سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی با این فیلمساز درباره مستند عیدوک و چگونگی آشنایی‌اش با قاسم سلیمانی سؤال پرسیدیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.**



**۱** چطور با شخصیت حاج‌قاسم آشنا شدید؟

آشنایی من با حاج‌قاسم از طریق دوبر مصاحبه اختصاصی با او بود. یک بار مربوط به عملیات والفجر ۸ بود که مستندی از درون همان مصاحبه‌ها به نام «شب‌ی که توفان شد» ساخته شد. این مستند در فضای مجازی هم بخش شده و مربوط به نقش شهید سلیمانی و لشکر نارا... در عملیات والفجر ۸ است. در آن زمان ما به بهانه یک شهید و به‌واسطه مادر این شهید به حضور حاج‌قاسم سلیمانی رسیدیم. قرار بود این مصاحبه یک‌برع ساعت باشد اما یک ساعت و ۱۰ دقیقه شد. یک‌بار دیگر هم برای شهید زندی با حاج‌قاسم مصاحبه گرفتم که در آنجا به دلیل این‌که روال گفت‌وگو را شناخته بود، فقط درباره شهید زندی صحبت کرد و به حاشیه نپرداخت.

**۲** چه تحقیق‌هایی برای ساخت مستند عیدوک داشتید؟

من از سال ۹۵ شروع به تحقیق درباره حاج‌قاسم سلیمانی کردم و پژوهش‌هایم بیشتر با افراد مثبت قصه بود؛ یعنی آدم‌هایی که در حوزه نظامی و امنیتی با عیدوک